

ضیاءالدین صدر / دکتر سید موسی صمیمی

اکتوبر سال ۲۰۱۶

همایش بروکسل در مورد افغانستان

بیانگر وابستگی کشور به "قطره های اکسیر" جهانی

افغانستان با بحران بزرگ اقتصادی مواجه دیده میشود، فقر و فاقگی در کوهپایه های هندوکش بیداد کرده، بیکاری گسترده، بویژه در بین جوانان کشور، منجر به فرار بیشتر از "یکصد هزار مغز" از مرز های کشور گردیده است. با در نظر داشت این وضع رقت بار و بویژه نظر به تعهداتی که "جامعه جهانی" در قبال افغانستان پذیرفته، در اوایل اکتوبر سال (دوم و سوم اکتوبر) "همایش بروکسل" در مورد "کمک مالی" به افغانستان دایر گردید. در این همایش که سران هفتاد کشور و هم چنان نمایندگان بیست نهاد اشتراک کرده بودند، پس از دو روز گفتگو فیصله شد تا طی چهار سال آینده ۱۵ میلیارد دالر در اختیار افغانستان گذاشته شود.

اینکه این "کمک های مالی" آیا "درد اقتصادی" کشور را دوا کرده و یا اینکه مانند "قطره ی بر سنگ داغ" تلقی میگردد، در این مورد ضیاءالدین صدر، مدیر مسئول مرکز نشراتی "افغانستان امروز"، با دکتر سید موسی صمیمی، دانشمند اقتصاد سیاسی کشور، به گفتگو نشسته است.

ضیاءالدین صدر:



پس منظر و نیازمندی های همایش بروکسل را شما چگونه ارزیابی میکنید؟

دکتر سید موسی صمیمی:



در افغانستان، در کنار عدم امنیت ناشی از هراس افکنی و فساد اداری حاکم، فقر گسترده ناشی از وضع رقت بار اقتصادی بیداد میکند؛ تعاملات این معضل در جهت نارضایتی، خشم و داد خواهی مردم، زمینه سازی کرده و می تواند شالوده اجتماعی را در کشور بیشتر از گذشته ها آسیب پذیر سازد. این معضل میتواند که هنوز شدت یابد، به ویژه اگر "حکومت وحدت ملی" - نظر به ظرفیت های ناچیز مالی در دست داشته - نتواند تعهدات عادی و روزمره اش را ایفا نماید. با در نظر داشت همین اصل ایجاب میکرد تا جامعه جهانی، تحت هدایت و رهبری ایالات متحده امریکا همایش بروکسل را در مورد "کمک های مالی" به افغانستان در اوایل ماه اکتوبر سال برگزار کند.

صدر: اگر لطف کنید اوضاع ناهنجار اقتصادی و عدم توانایی های حکومت وحدت ملی را در قبال تعهدات آن با ارایه چند رقم مشخص سازید.

صمیمی: با در نظر داشت تقسیم بودجه با بخش عادی و انکشافی، ساختار وابستگی افغانستان به منابع ملی خارجی حتی در سال ۲۰۱۵ بخوبی روشن میگردد. بودجه عادی کشور در این سال بالغ میگردد بر پنج میلیارد دالر امریکایی. منابع داخلی این بودجه ۲،۲ میلیارد دالر و منابع خارجی آن ۲،۷ میلیارد دالر رقم زده شده است. این ساختار بودجوی بیانگر این نکته است که حتی در همین سال، ۵۴ در صد بودجه عادی از منابع خارجی تمویل گردیده است. گستره ی این وابستگی در مورد بودجه انکشافی بیشتر روشن میگردد. در بودجه انکشافی در همین سال که به ۲،۶ میلیارد دالر بالغ میگردد، سهم منابع خارجی ۲،۱ میلیارد دالر می باشد. در نتیجه وانمود میگردد که ۸۰،۸ در صد بودجه انکشافی از منابع خارجی تمویل میگردد. با در نظر داشت اینکه چشم انداز انکشاف اقتصادی کشور تاریک بوده و رکود اقتصادی کشور را تهدید میکند، می توان به سادگی حدس زد که حکومت وحدت ملی تا سال ۲۰۱۹ توانایی آنرا نداشته باشد که همین سهمیه ۵۴ در صد از بودجه عادی و ۸۰،۸ در صد از بودجه انکشافی را تهیه کرده بتواند. در نتیجه اگر قطرات "نیرو افزای" منابع خارجی، به ویژه از منابع ایالات متحده امریکا سراربر کشور نگردند، بحران سیاسی-اجتماعی در کشور گویا از قبل برنامه ریزی شده است. در صورت عدم این کمک ها، حکومت بایست نیم از کارمندان خود را خانه نشین ساخته و نیم از خدمات اجتماعی و فرهنگی، از بیمارستان ها تا دانشگاه ها را به حد اقل برساند. مسئولیت این "رسوایی بحران زای اجتماعی" را هیچ حکومتی نمی تواند بپذیرد، حتی اگر این حکومت با پسوند "وحدت ملی" هم آراسته باشد.

صدر: با در نظر داشت این امر، چالش های عمده در کجاها میگردند؟

صمیمی: سر زمین هندو کش به مثابه یک جامعه تنش زا و پر گسست از نگاه معضل انکشاف اقتصادی با چالش های سنگینی مواجه می باشد. چهل در صد از جمعیت کشور تحت خط فقر قرار داشته، بیکاری گسترده و روز افزون، به ویژه بین جوانان، که در حدود چهل

در صد حدس زده می شود، بیداد می کند. اگر در این محاسبه "بیکاری مخفی" را نیز دخیل بسازیم، پس سطح بیکاری به بیشتر از پنجاه در صد میرسد. طوریکه کریستا مهار، همکار مجله تایم "Time" از کابل گزارش داده است، شاید در افغانستان تنها و تنها از طریق کاهش مشاغل در بخش های شرکت های وابسته در حدود ۵۰۰ هزار نفر کار خود را از دست بدهند. فرار سرمایه و انباشت آن در بانک های خارجی که در سال ۲۰۱۵ دست کم یک میلیارد دالر در ماه گفته می شود، بیانگر عدم اعتماد به مکانیسم "صلح و امنیت" می باشد. فرار دوباره ی مغز ها به مثابه ضیاع ثروت ملی ضربت بزرگی است که بر پیکر لرزان کشور همه روزه وارد می گردد.

صدر: آیا در این مورد جلب سرمایه گذاری های خارجی، که برای حکومت و حدت ملی از اهمیت زیاد برخوردار می باشد، در راستای افزایش عایدات کشور و خلق اشتغال به داد حکومت نمیرسد؟

صمیمی: د. در حال حاضر و نظر به افق مکرر سیاسی و فضای نا مساعد سرمایه گذاری در کشور، نور امیدی برای جذب و جلب این قشر جوان و بدون چشم انداز اشتغال دیده نمی شود.

حجم سرمایه گذاری های خارجی و داخلی، از جمله به این عوامل وابستگی دارد:

(۱) محیط مطمئن سیاسی،

(۲) اوضاع امنیتی،

(۳) حاکمیت قانون و در اخیر

در گزارشی که در مورد "داد و گرفت اقتصادی" بانک جهانی، در اوایل سال ۲۰۱۳ پخش گردیده است، افغانستان در قطار آخرین کشور های ردیف می گردید که در آن "زمینه های سرمایه گذاری های ناگوار" حاکم است. در گزارش ماه جنوری همان سال (۲۰۱۳) بانک جهانی، در بین ۱۸۵ کشوری که در جدول سرمایه گذاری درج اند، افغانستان در ردیف ۱۶۰ قرار می گیرد. به این ترتیب نظر به بلند بودن سطح خطرات، زمینه های سرمایه گذاری در کشور جذابیت خود را از دست می دهد برای سرمایه گذاری از جمله به یک "فضای مطمئن سیاسی" نیاز است که منجر به کاهش خطرات شده و در نتیجه زمینه ساز سرمایه گذاری های بیشتر گردد.

صدر: در این محیط عدم اعتماد/انکشاف تجارت خارجی چه نقش میتواند بازی کند؟

صمیمی: بیلانس (ترازنامه) تجارت خارجی افغانستان از یک دهه به این سو گویا با کسر مزمن و ساختاری مواجه است. کسر بیلانس تجارت از طریق کمک های خارجی مستقیم و غیر مستقیم جبران می گردد. طوری که روند ساختاری تجارت (واردات و صادرات محصولات) نشان میدهد، این کسر در دوره پسا خروج، یعنی پس از سال ۲۰۱۴ دوام کرده است؛ به ترتیبی که حجم صادرات کشور در حدود ده در صد حجم واردات کشور را در بر میگیرد. در رابطه

با این اصل "کسر ساختاری و مزمن" از یکسو و کاهش کمک های مالی خارجی از سوی دیگر، بر اقتصاد کشور از دو جهت تأثیرات منفی وارد می گردد:
اول از ناحیه پایین آمدن ارزش پول افغانی در مقابل ارز (اسعار) و
آدوم در نتیجه از طریق "انفلاسیون وارداتی"، بلند رفتن سطح قیمت ها.
بلند رفتن پایه انفلاسیون از یک طرف قیمت ماشین آلات ضروری برای صنایع داخلی را بلند برده و چشم انداز سرمایه گذاری را با در نظر داشت پایه مفاد متصدیان سرمایه گذار مکرر میسازد. از سوی دیگر بلند رفتن قیمت مواد مصرفی وارداتی، بویژه در بخش مواد "احتیاجات اولیه" منجر به فقر سرتاسری شده و خالی گاه اقتصادی بین ثروتمندان و مستمندان را هنوز هم بیشتر می سازد.

صدر: با در نظر داشت این سیر، کمک های بروکسل چه دردی را دوا میکند؟

صمیمی: در این جا بایست کمی تامل کرد. غرب، به ویژه ایالات متحده امریکا از یک و نیم دهه به این سو، نظر به الزامات استراتژی امپراتوری خود، در افغانستان زیاد سرمایه گذاری کرده است. تشکیل حکومت وحدت ملی، که فاقد مشروعیت دموکراتیک می باشد، فرآورده مداخله مستقیم این امپراتوری در اوضاع داخلی کشور بود. زمانی که جان کری، معمار بنای حکومت وحدت ملی، توانست که افغانستان را از بحران مبارزات انتخاباتی برهاند، بخوبی میدانست که این کشور نه تنها از نگاه سیاسی، بلکه از نگاه اقتصادی نیز بحران زده است. در این مورد با در نظر داشت "نشست توکیو در مورد کمک های اقتصادی به افغانستان" در سال ۲۰۱۲ نیاز "کمک های بیشتر اقتصادی" از بدو امر روشن بود. از همین نگاه "همایش بروکسل در مورد افغانستان" در واقع تداوم "نشست توکیو" خوانده میشود. اینکه در این همایش سران و یا نمایندگان هفتاد کشور جهان اشتراک کرده بودند، بیانگر تاثیر گذاری امریکا خوانده شده میتواند. بار اصلی این "کمک مالی" را از جمله شش کشور و نهاد جهانی بر دوش دارد: ایالات متحده امریکا، المان، بانک جهانی، بانک توسعه آسیای، هند و اتحاد اروپا. ولی اگر ما حجم این کمک مالی سالانه در حدود سه و نیم ملیون نظر بی اندازیم، این رقم تنها و تنها نیازمندی های ناشی از بودجه و عاجل را برآورده ساخته، و بر "پویایی اقتصاد" در جهت ایجاد اشتغال و یا جلب و تشویق سرمایه گذاری نقش بارزی بازی کرده نمی تواند. از این نگاه این کمک فقط نقش "خاموش سازی" آتش را داشته و مانند گذشته ها در خدمت قشر الیگارشی حاکم قرار دارد.

صدر" مگر در این مورد حکومت افغانستان تعهدات به اشتراک کنندگان همایش بروکسل نسپرده است؟

صمیمی؛ در ست مانند گذشته ها این مرتبه در ازای حامد کرزی، اشرف غنی، رییس جمهور کشور با سخنوری نوع خودش گفت که "کشورش مبارزه با فساد را در صدر بر نامه های خود قرار داده و برای مبارزه با این پدیده تلاش خواهد کرد."

نخست از همه این "فرمول بندی" تعهد رییس جمهور کشور را به که شکل "کلی گویی" بیان میدارد و در عمل هیچ کامی در این راستا برداشته نمی شود، برای ناظرین اوضاع سیاسی-اقتصادی کشور بسیار آشنا است. در نشست های بن دوم در سال ۲۰۱۱، نشست شیکاگو و نشست توکیو در سال ۲۰۱۲، آقای حامد کرزی رییس جمهور همان زمان با صدای بلند و جدیت نوع خودش، تعهد سپرد، که با هر نوع فساد اداری و خویشاوند پرستی مبارزه خواهد کرد. ولی بر خلاف اظهارات دیپلماتیک، آقای کرزی به یکی از وعده خود وفا نکرد. "هیچ کاری و کم کاری" آقای اشرف غنی، دست کم در این دو سال اخیر بیانگر این اصل است، که او هم مانند سلفش در این راه گامی بر نمیدارد. اشرف غنی میگوید که او در این راستا "تلاش خواهد کرد". از همه مهمتر سندی را که آقای اشرف غنی بنام "راه پیشرو" در مورد برگشت پناهنده های افغانی که در خواست پناهندگی شان رد میشود، امضا کرده است، جلب نظر مینماید. با اشارت بر ریشه های واقعی "فرار مغز ها" از کشور، آیا اشرف غنی میتواند و میخواهد که در مورد برگشت این پناهنده ها در راستای ایجاد کسب و کار زمینه سازی کند؟ برای این کار اشرف غنی هیچ طرح و برنامه ی ندارد.

آقای اشرف غنی در مراسم امضای موافقت نامه در مورد تشکیل حکومت وحدت ملی در ضمن سخنرانی خویش گفت: «حکومت وحدت ملی، حکومت قانون، حکومت عدالت اجتماعی، حکومت موثریت و شفافیت، حکومت کفایت و حکومت مسئولیت خواهد بود». دیدیم که آقای رییس جمهور مردم ستم دیده کشور را با "وعده های سر خرمن" دست خالی برگرداند.

صدر: پس در نتیجه چه می توان کرد؟

صمیمی: از آن جایی که این کمک ها فقط در جهت پیاده کردن همان نظر اقتصادی با کساد های تعبیه شده در آن می باشد، که در افغانستان پیاده گردیده است، نمی توان ممد انکشاف واقعی بسوی یک اقتصاد شکوفا و کم ساختن فقر گسترده گردد. از سوی دیگر -در کنار همایش بروکسل با سمت و سوی اقتصادی آن - ما در ماه جون همین سال شاهد کنفرانس وا رسا در مورد کمک های نظامی در افغانستان نیز هستیم. از آنجایی که حکومت افغانستان از عهده بخش نظامی که نظر به کنفرانس شیکاگو در سال ۲۰۱۲ بر دوش گرفته بود، برآمده نمی توانست در این نشست بازم کشور های عضو ناتو حاضر شدند تا پرداخت سالانه چهار میلیارد دالر امریکایی، از جمله سه و نیم میلیون آن از طرف واشنگتن را برای هزینه های نظامی افغانی بپذیرند. در نتیجه افغانستان امروز هم از نگاه نظامی و هم از نگاه

اقتصادی به یک کشور وابسته به ایالات متحده امریکا مبدل گردیده است، به شکل که "حاکمیت ملی سیاسی" آن در گرو همین وابستگی قرار دارد.

بحران اقتصادی حاکم بر افغانستان، بحران ساختاری تعبیه شده در نظام فکری نو لیبرالیسم بوده و برای غلبه بر این بحران ساختاری، کشور نیاز به دیگرگونی پارادایم، شیوه فکری در خور یک کشور پیرامونی و آن هم آسیب پذیر دارد. نخبگان کرسی نشین در وجود حکومت وحدت ملی فاقد توانایی در این راستا می باشند.

صدر: با تشکر از اظهارات شما، در همین جا بسنده میکنیم.

صمیمی: سپاس از شما، "در خانه اگر کس هست --- یک حرف بس است"